

افشای دزدان، حیاولکران و زورمندان

(استاد صباح)

شعر روز

شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما
بسی کردش کند گردون بسی لیس و نهار آرد

جباران تاریخ بی برادرم کردند
اسیر فاجعه های مکررم کردند
دست و پایم را ببستند و آنگاه
برای سنگ زدن کبوترم کردند
چهارسوی جهان رابه ما بستند
بعد چون شکوفه پرپر کردند
مزدورانه تسلیم گرگ ها دادند
به چوروچپاول برهنه ترم کردند
باتیرو تبرزخمیزدند و خندیدند
خون آلوده تر همه پیکرم کردند.

||||| سخن روز |||||



بی عدالتی، بی قانونی، بی نظمی، زورخواهی تنظیمی، جنگ، کشتار، ویرانی، نا امنی، آوارگی، فقر، مرض، فساد
اداری، بنیادگرایی افراطی، تبعیضات قومی و مذهبی و زبانی، مواد مخدر، زورگویی، جنگ سالاری، بی کفایتی،

مصلحت گرایی ، تاراجهای کلان پولی ، چنگل بخشی قدرت و اداره دولتی ، محروم نگهداشتن ملیتهای مختلف ، چپاول و غصب املاک دولتی و شخصی ، تشنج ، (وزورگویی، قانون شکنی و ماشه کشی درخیمه لویه جرگه پس از تشنج در انتخابات) و دهها مشکل دیگر ، سالهاست که دامن جامعه را فراگرفته و زندگی آرام و خوش را از مردم کشور سلب نموده و همه نتیجه حاکمیت ننگین کرزی است.

دزدان میلیونرکیهاست؟؟؟



اختلاسگران ، زورگویان و چپاولگران بزرگ

سیستم مافیایی همین است، مجرمان بی واسطه و بی کس به خاطر دزدی کوچکی دستگیر و تحقیر شده در سطح رسانهها رسوا می شوند، اما دزدی های کلان آزاد و قانونی است. دزدان کلان هم با افتخار خود را قهرمان و «الگوی شفافیت» نام می گذارند . در چند سال گذشته فساد میلیاردها دالری در حکومت افغانستان به ویژه وزارت های سکتور امنیتی منتشر شده و پرده از موارد درشت اختلاس برداشته شد، اما هیچ مورد از این خیانتها و چپاولها بررسی و عاملان آن مجازات نشده اند. از دو سال به اینسو دفتر بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان (SIGAR) هر هفته و یا هر ماه گزارش هایی از فساد و اختلاس و چور و چپاول در وزارت های داخله و دفاع افغانستان نشر می کند. «سیگار» در گزارشی نوشته که امریکا از سال ۲۰۰۲ نزدیک به ۶۲ میلیارد دالر به نیروهای امنیتی افغانستان کمک کرده است. چند مورد گزارش های «سیگار» : حالا کی باید سر تراشیده شود؟ سربازان بی چاره و فقیر که ماهها معاش بخور نمیر خود را دریافت نمی کنند یا وزرای فاسدی که میلیاردها دالر از سرمایه ملی را به جیب زده اند؟ یک: ۱۶ طیاره حمل و نقل کمک شده به اردوی افغانستان به ارزش ۴۸۶ میلیون دالر تکه تکه شده و قطعات آن به مبلغ ۳۲ هزار دالر به فروش رسیده اند.

دو: صدها هزار سلاح کمک شده به اردو و پولیس افغانستان ناپدید است. امریکا از سال ۲۰۱۴ تا کنون، ۷۴۷ هزار و ۸۲۳ اسلحه به شمول مهمات آن به وزارت های دفاع و داخله افغانستان کمک کرده که بخش بزرگ آن ناپدید است. ارزش جنگ افزارهایی که ناپدید شده به ۶۲۶ میلیون دالر می رسد.

سه: اختلاس ۵۲ میلیون دالری از وسایل و تجهیزات شفاخانه چهارصد بستر.

چهار: دستبرد ۳۲ میلیون دالر در ساخت یک مرکز نظامی در هلمند.

و این فهرست را می توان با وارد کردن رقم های درشت از میان گزارش های سیگار طولانی تر کرد.

چپاولگران مشهور و معروف



اما مضحکتر از همه قضیه «پشکل دزدی» بسم الله محمدی در وزارت داخله است که بوی گندیدگی حکومت دست نشانده امریکا در افغانستان را بیشتر بالا کرد. گزارش‌های لیک شده از ارگ و وزارت داخله می‌رساند که بسم الله محمدی از بودجه وزارت داخله ۸۰ میلیون افغانی را زیر نام خرید کود حیوانی (پشکل گوسفند) برای چمن صحن وزارت داخله به جیب زده‌است، اما هیچ بازخواستی از او صورت نگرفت!

دزدی‌های بزرگ ده‌ها میلیون دالری در وزارت مالیه تحت رهبری عمر زاخیلوال، غارت‌های بزرگ در بنادر تحت کنترل عطا در بلخ، شیرزی و ظاهر قدیر در ننگرهار و اسماعیل در هرات، انتقال بکس‌های مملو از دالر توسط ارگ‌نشینان از ایران و برخی کشورهای دیگر، دزدی‌های بزرگ در وزارت معارف تحت مدیریت فاروق وردک، انتقال ۵۲ میلیون دالر پول نقد توسط ضیا مسعود به دوی، چور و چپاول و غصب صدها هزار جریب زمین دولتی از سوی بسیاری از رهبران تنظیمی از جمله سیاف و خلیلی و گیلانی و محقق و فهیم و عطا و خانواده کرزی در شماری از ولایت‌ها به‌شمول کابل و به جیب زدن میلیاردها دالر زیر نام بازسازی افغانستان در پانزده سال گذشته را مردم افغانستان شاهد اند اما در یک مورد هم کدام وزیر، وکیل، والی یا شاروال سر تراشیده در برابر چشمان مردم رسوا و افشا نشد. از سوی دیگر مرغ دزدی سربازان در شمال افغانستان نشان می‌دهد که هم امریکا و هم حکومت دست‌نشانده آن در افغانستان در پانزده سال گذشته تا چه حد به حق این کشور جنگ زده خیانت کرده و با دروغ‌های شاخ‌دار وضعیت نیروهای امنیتی این کشور را عوام‌فریبانه خوب و درخشان توصیف کرده‌اند.

حالا کی باید سر تراشیده شود؟ سربازان بی‌چاره و فقیر که ماه‌ها معاش بخور نمیر خود را دریافت نمی‌کنند یا وزرای فاسدی که میلیاردها دالر از سرمایه ملی را به جیب زده‌اند؟ اگر درین وطن اندک عدالت وجود می‌داشت، باید ابتدا سرهای بسم الله و رحیم وردک تراشیده شده در معرض دید عموم قرار می‌گرفتند که سال‌های سال در راس نیروهای امنیتی قرار داشته با خیانت‌شان یک اردو و پولیس «چرسی» و «مرغ دزد» ایجاد کردند.

این مجاهد راه خدا را می‌شناسید؟؟؟



احمد مشاهد عضو تنظیم جمعیت و از وفادارترین اشخاص به شورای نظار است و در سال‌های گرم‌گرم پاکستان رفتن، طب را تمام ناکرده راهی پاکستان گردید و مثل دیگر سران جهادی پیشوند داکتر را هم به نامش علاوه کرد.

مشاهد ماهانه به تعداد سه صد نفر از ریاست ده اعاشه بدست می‌آورد. او که به امراض گوناگون گرفتار است، خوراکش نان جواری بیش نیست، دارایی هایش را قبل از مرگ میان اولادهایش تقسیم و ترکه کرده است. مشاهده علی‌الرغم آنکه آدم کینه دل، خودپسند و خودخواه است و به هر مسئله‌ی با در نظر داشت منافع خود برخورد می‌کند، در عین حال شخص متکبر و بدزبان است و سخت انتظار دارد که کسی پای خود را به پای او دراز نکند و همه بلی‌گوی او باشند. تنها آدم های برده‌صفت و زیون از موقف او استفاده برده می‌توانند که آماده چاپلوسی و تحمل غضب، دشنام های رکیک و پیشانی ترشی های او باشند. از جمله ده ها فردیکه طبق تذکر بالا به نوکران او بدل شده اند فردی به نام حق نظر است که حالا شاید حق نظربای برایش بگویند.

او به واسطه مشاهده رئیس گمرک در یکی از گمرکات افغانستان تعیین شده و ازین طریق صاحب میلیون ها دالر شده است. او در چند محفل در حضور دیگران بدون اینکه عرق شرم بر پیشانی‌اش نمایان گردد، یادآور گردیده است که امروز اگر کسی کمتر از یک میلیون دالر را سرمایه بگوید احمق است. او که چند سال قبل به نان شب بند بود و پول نداشت، امروز چندین حویلی صرف در شهر تالقان دارد.

ملک و دارایی هایی که مشاهده و همسلکانش چون مطلب بیک، حاجی آغاگل، پیرمحمد خاکسار، پیرم قل، قاضی کبیرمرزبان، بشیر چاه آبی و غیره به اصطلاح کلان های تخار با خدعه، نیرنگ، قتل، تهدید، توطئه، دزدی، خیانت، چپاول، وطن فروشی و متوسل شدن به پستی های رنگارنگ بدست آورده اند، بدون احساس شرم و خجالت آن را داد خدا نامیده، خویش را خدادادگان جار می‌زنند تا این را ثبوت نمایند که دیگران که به پول و دارایی های افسانوی چون آنها نمی‌رسند نه اینست که ایشان دست به دزدی، وطن فروشی، جاسوسی، قتل و توطئه نزده اند بلکه ایشان را خدا نداده است. اولاده اینان اگرچه به پستی پدران شان آگاه اند در دل آن را تصدیق می‌دارند و می‌دانند که پدران شان تا جاسوس ورزیده نمی‌بودند و گذشته بیشرافتی و وطنفروشی بر پیشانی شان از دور نمایان نمی‌بود، کجا ممکن بود به چوکی های مهم و بلند در سطح یک مملکت گماشته شوند. مشاهده و همقطاراننش وقتی به منابع سخنرانی می‌کنند، همیشه دفاع از جهاد و مقاومت و ارزش های اسلامی را قافله می‌کنند، ولی در عمل به غیر از تحکیم پایه های اقتصادی و اجتماعی خود و فامیل خود به چیز دیگری نمی‌اندیشند



دست آوردهای حکومت غنی و عبدالله

مسئولان برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد (WFP) در افغانستان اعلام کردند که ۱۳ میلیون نفر در این کشور مصئونیت غذایی ندارند. سه سال پیش این رقم حدود ۹ میلیون نفر بود. از مجموع ۱۳ میلیون، هشت میلیون آن با نداشتن امنیت حاد غذایی رو به رو هستند. که این هشت میلیون تن نمی‌دانند که غذای بعدی آنان چطور تأمین خواهد شد. بی‌ثباتی، جنگ، خشک‌سالی، تغییر اقلیم، وضعیت شکننده افغانستان و برگشت مهاجران از کشورهای دیگر عامل افزایش میزان

نبود مصئونیت غذایی در طول سه سال گذشته بوده است. اگر به این موضوع رسیدگی نشود، نبود امنیت غذایی می‌تواند باعث ایجاد مشکل‌ها و مهاجرت‌های جدید در افغانستان شود. برای مقابله با عدم مصئونیت غذایی و کمک به نزدیک به سه میلیون تن در افغانستان، این برنامه نیاز به ۱۸۴ میلیون دالر دارد. امنیت غذایی یکی از هدف‌های سند توسعه هزاره سوم سازمان ملل متحد است که حکومت افغانستان در سال ۲۰۰۴ این سند را امضا کرد و متعهد شد که تا سال ۲۰۲۰ به هدف‌های ۸ گانه آن دست یابد و مصئونیت غذایی که از مهم‌ترین اهداف این سند است، آن را برای مردم تأمین کند. این در حالی است که پیش از این، مقام‌های حکومت افغانستان نیز از عدم مصئونیت غذایی مردم در کشور ابراز نگرانی کرده بودند.

همچنان اداره هماهنگی کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد گزارش داده است که از ابتدای سال جدید میلادی تاکنون ۵۴ هزار نفر به دلیل جنگ و خشونت از مناطق محل سکونت شان بیجا شده‌اند. تنها در هفته گذشته تقریباً ۱۲ هزار نفر از مناطق شان مجبور به فرار شده‌اند. از نظر ولایتی، بیشترین تعداد بیجاشدگان داخلی در این مدت در کندز بوده است؛ ولایتی که تا چند سال پیش محل استقرار نیروهای آلمانی بود. ملل متحد ۱۳۵۰۰ بیجا شده را در این ولایت ثبت کرده است. در ولایت کندز همواره درگیری‌های شدیدی رخ می‌دهد. در آخرین مورد روز دوشنبه در نتیجه یک حمله هوایی نیروهای اردوی ملی در ولسوالی دشت ارچی، بر اساس گزارش‌های مختلف، بین ۱۵ تا ۶۰ نفر کشته شده‌اند که احتمالاً این حمله تلفات غیرنظامی نیز به همراه داشته است. از سویی هم، سازمان ملل متحد هشدار می‌دهد که آوارگان داخلی «آسیب‌پذیرترین قشر» در افغانستان به شمار می‌روند. در سال گذشته، سازمان ملل متحد ۴۵۰ هزار بیجاشده داخلی را ثبت کرده بود و در سال ۲۰۱۶ بیش از ۶۶۰ هزار آواره داخلی ثبت شده بود. سازمان ملل متحد در آغاز سال روان میلادی در گزارشش در مورد کمک‌های بشردوستانه تخمین زده است که در حال حاضر حدود ۹۰۰ هزار نفر تحت «شرایط غیرانسانی» در کمپ‌ها زندگی می‌کنند.

آیا راه بیرون رفت وجود دارد؟؟؟



اگر فضای ادارات دولتی از وجود عناصر فاسد، بنیادگرا، خاین و استفاده جو پاک گردد، اگر دولت از عملکردهای سازشکارانه با بنیادگرایان جاه طلب دست بکشد و اگر ظرفیت‌ها مطابق قابلیت افراد و اشخاص با فهم، صادق و متعهد به آرمان‌های ملی و نیز معیارهای شایسته سالاری در نظر گرفته شود، به‌یقین که مشکلات از سر راه برطرف خواهد شد. هنوز دیر نشده است که مسئولین امور به‌سوی قانون مداری و تطبیق اصول و قوانینی که تأمین‌کننده منافع علیای ملت ماست گام‌های صادقانه، دلسوزانه و مسئولانه بردارند تا باشد تطبیق قوانین عدلی، قضایی و سایر لوایح و مقررات تحت شعاع و انضباط و مسئولیت‌پذیری در جامعه به گونه‌یک فرهنگ اداری محل تطبیق خویش را دریابد و دوایر دولتی از

لوٹ عناصر بنیادگر، استفاده جو و بی سوادى که با نیش و نوش از پوست و استخوان مردم ما به اعتبار مردم افغانستان استفاده می نمایند و یا بنیاد اجتماعی نوپای مردم را که سده ها عذاب کشیده اند با فرایند و بازتاب فساد اداری هستی ملت ما را به یغما می برند روی معیارهای حسابگرانه به چنگال قوانین عدلی و قضایی مجبور به تصفیه حساب گردند. و دور نیست که مردم ما با مشقت کوبنده قانون و علاقه مندی به حفظ دارایی های عامه و بیت المال اکثر کسانی را که با سوء استفاده از قدرت مرتکب چنان خیانتی گردیده اند مورد بازخواست و سرزنش قرار بدهند، زیرا در امتداد زمان، تاریخ آیینہ تمام نمای افعال و اعمال مردم است.

چهار میلیون جوان در ایران و پاکستان به ارزان ترین و مطیع ترین شکل نیروی خود را به خارجی ها به فروش می رساند. سالانه تنها در بخش دولتی افغانستان چهارصد میلیون دالر اختلاس و دزدی می شود. میزان ناامنی، اختطاف، خود سوزی، خودکشی، تجاوز به نوامیس به مراتب افزایش یافته به دلیل اینکه هیچ متجاوزى بر عناف زنان به اشد مجازات محکوم نشده است و هیچ اختطاف گری محکوم به اعدام نگردیده و در زمینه خودسوزی و خودکشی فرهنگ سازی در کشور انجام نگردیده است.

با این وجود اگر ما از روی آماروارقام به وضعیت افغانستان در سال های گذشته نگاه کنیم، آنچه لازم است از پیشرفت های دولت طی این سال ها به دست خواهیم آورد و میزان وجود فساد در ارگان های دولتی به دست خواهد آمد. در افغانستان، کرسی های دولتی بر اساس زدوبند ها و معامله گری های سیاسی به افراد داده می شوند و شایستگی و لیاقت و یا دید خدمت به مردم و وطن به حرف های پوچ و بی معنی می ماند.

پست های پایین تر در سطح ریاست و مشاور و سفیر و دیگر مقام های پول آور به قیمت های هنگفت خرید و فروش می شوند و کسانی که مقرر می شود، آن کرسی را بزنس شخصی پنداشته بدون دغدغه خاطر به جمعآوری پول از هر طریق نامشروع و حرام می پردازد و با این پول های بادآورده که به قیمت سیه روزی مردم فقیر ما به چنگ می آورند در دوبي، دهلی، لندن و سایر جاها به سرمایه گذاری و عیاشی می پردازند. در حالی که حامد کرزی و غني احمدزي از فاسدان درجه یک کشوراند، چطور می شود از مبارزه علیه فساد حرفی به میان آورد؟ حامد کرزی و غني احمدزي و خانواده اش، طی ده سال از هوتلی های خارج نشین، به میلیونرها مبدل شدند و برادرانش در رأس مافیای اقتصادی و مواد مخدر کشور قرار دارند. این خانواده تنها در چپاول ده هزار جریب زمین و اعمار شهرک عینومینه قندهار، غصب فابریکه سمنت غوری، کابل بانک، املاک دوبي و غیره سرمایه گذاری های قارونی به جیب زدند.

ده ثروتمندترین افغان در سال ۲۰۱۷



از آنجایی که اقتصاد افغانستان از گذر درگیر بودن با تروریسم به شدت آسیب دیده است، اغلب ساکنان دنیای غرب، نوعی نگاه منفی نسبت به سرمایه گذاری و ثروت در این کشور دارند. شهروندان افغانستان از جمله افراد با استعداد، کوشا و

فداکار روی زمین هستند که در هر حوزه، از فعالیتهای خوبی برخوردارند. در اینجا ده تن از ثروتمندترین افراد افغانستان، با داستان‌های کوتاه تجاری را به اشتراک می‌گذاریم.

عبدالرحیم صافی

عبدالرحیم صافی که از قوم پشتون می‌باشد، رئیس شرکت «صافی گروپ» است و خانواده‌اش در میان ثروتمندترین خانواده‌های موجود در افغانستان قرار دارد. پدر، برادر و کاکای وی در زمینه‌های صنعت و هتل‌داری فعالیت دارند.

عبدالرحمان الکوزی

عبدالرحمان الکوزی، یکی از اشخاص معروف و ثروتمند افغان می‌باشد که مالک بسیاری از شرکت‌های چند ملیتی به نام «الکوزی» است.

عزیز هوتک

عزیز هوتک (مالک دوم سلسه غلزی هوتکی قندهار) در یک خانواده بسیار معروف و ثروتمند در قندهار چشم به جهان گشود. او پسر سلیم خان و نازو توخی، نواسه کروم خان و نواسه بزرگ اسماعیل خان است.

زمری کامگار

زمری کامگار از قوم تاجیک و فارغ‌التحصیل از دانشگاه بلخ می‌باشد که تحصیلات خود را در بخش انجینیری تکنیک به پایان رسانده است. وی در حال حاضر مشاور دفتر امور بین‌الملل اتاق بازرگانی و صنایع افغانستان ACCI و مالک شرکت هوایی «کام ایر» است.

نجیب زراب

دفتر شرکت‌های تجاری وی در کابل، دبی و پاکستان قرار دارد که موفق به ساختن یک شرکت برجسته و سازمان‌یافته در افغانستان شده است.

حبیب گلزار

حبیب گلزار، شرکت تولیدکننده نوشیدنی منحصر به خود را در افغانستان دارد و اولین شرکتی است که شروع به تولید «کوکاکولا» در این کشور نموده است.

حاجی مومن خان

شرکت حاجی مومن خان، طی سال‌های ۱۹۱۰ ایجاد گردید. هر چند که فقط به‌عنوان یک شرکت تجاری شروع به فعالیت نموده بود، ولی در زمینه‌های دیگر نیز مانند چای و منسوجات فعالیت دارد که همچنان می‌خواهد صنایع نفتی مومن را راه‌اندازی کند.

احسان بیات

احسان بیات، صنعت‌گر می‌باشد که در نیویارک زندگی می‌کند. وی اصالتاً از هرات و قومیت‌اش بیات است.

حامد منهاج

حامد منهاج، جوان‌ترین کار آفرین و تاجر در افغانستان است که در سن ۱۶ سالگی شروع به تجارت کرد و در حال حاضر با شرکت‌های چندملیتی در ارتباط است.

شیوه های پولدار شدن در افغانستان



بیش از هفده سال از روی کار آمدن دولتمردان جدید می گذرد و کسانی که هفده سال پیش کارمند یا شهروند ساده ای بیشتر نبودند، اکنون تبدیل به یکی از تجار و سرمایه داران مطرح کشور شده اند!

بسیاری از مقامات سطح پایین دولت، مالک مارکتهای کلان در بهترین نقاط شهرها هستند! بهترین منازل مسکونی شهرها متعلق به آنها می باشد! که برای توسعه و حفظ این اموال چندین محافظ نیز همیشه به همراه دارند!

اما کسی که کمی بیشتر سرش به تنش می ارزد و یا چند صباحی بیشتر در دولت و کارهای دولتی بوده است به سراغ ثروت اندوزی های کلان تر رفته اند. گزارش ها و مستندات موجود حاکی از آن است، شخصی که چند روز والی بوده یا مدت کوتاهی عهده دار سمت وزارت بوده است اکنون برای خود صاحب نفتکش یا شرکت هواپیمایی می باشد!

کسی که تا قبل از ورود به کارهای دولتی هیچ ثروت و شهرتی نداشت، در حال حاضر مالکیت شرکتهای بزرگ حمل و نقل در سطح کشورهای همسایه و منطقه را بر عهده دارد! برای خود شهرک سازی می کند و حتی به فکر ساختن شهر جدید خصوصی می باشد!!!

حال تصور کنید کسی که تنها یکی و دو سال در مقامی بوده، برای خود نفتکش و شهرک دارد، مابقی که سالها است بر اریکه قدرت تکیه زده اند، چه دارند؟! به راستی این همه ثروت و دارایی از کجا به دست آمده است؟ این ثروت های هنگفت مقامات از چه طریق حاصل شده است؟ اگر از خیر جواب این سوال بگذریم، نکته تاسف بار دیگر این است که بسیاری از کسانی که علنا زمین های مردم را غصب کردند و اموال مردم را به ناحق مصادره نموده اند، هم اکنون به عنوان نیروهای مقدس مطرح هستند و جزو سران قدرت و حکومت نیز محسوب می شوند!

پرواضح است کسانی که در فساد اداری آغشته اند به جای اینکه از وظایف شان برکنار شوند مورد تقدیر قرار می گیرند. بسیاری می پرسند پولهای سرازیر شده به افغانستان در کجا صرف شده است. مردم باید بدانند برخی این پولها را در دبی وایلا خریده اند، در امریکا خانه خریدند و در کابل قصر ها آباد کرده اند، ما این افراد را می شناسیم اما چه کسی است که از اینها سوال کند که این پولها را از کجا آورده اند؟ چه کسی می تواند اینها را به محاکمه بکشاند و مجازات کند؟ البته این مختص به اشخاص هم نیست بلکه همین موضوع درباره احزاب هم صدق می کند که این حقوق های دالری را از چه منابعی تامین می کنند؟ وقتی یک حزب برای رسیدن به مقاصد خاص، هزارها دالرها صرف می کند، کسی نیست بپرسد که این مبالغ از کجا می آید؟

هرچند که برخی از مقامات سابق و حتی فعلی، صداقت دارند و می گویند هزینه های خود را از کجاها می گیرند. آنها می گویند از فلان کشور یا جریان سیاسی بابت حمایتهایی که می کنم، می گیرم و برای همین مردم هم خرج می کنم. که تفاوت این افراد با بقیه در این است که اینها خورده، منکر نیستند.

به هر حال در این سه دهه برخی از مقامات پول از ناکجاآباد گرفتند و در امور معنوی و خیریه صرف کردند و عده ای نیز تنها به زراندوزی شخصی پرداختند. ولی انصاف مطلب این است که همین مقامات مذکور که به قول معروف، پول شان از پارو هم بالا می رود در همین دنیا به مرض های صعب العلاج مبتلا شده اند.

شاید اگر شما هم کمی تامل کنید بشناسید مقاماتی را که هم اکنون به مرض قند، تنگی نفس، بیماری قلبی، سرطان و ... مبتلا هستند و هر از گاهی برای تداوی به کشورهای خارجی می روند، اما هنوز هم نمی خواهند عبرت بگیرند و لافل همین پولهایی را که از هر طریقی به دست آوردند، برای همین مردم خرج کنند و اینقدر حریص نباشند.